

عقود بانکداری اسلامی و شاخص توسعه انسانی در ایران

عباس عرب‌مازار^۱
سید علی پایتختی اسکوئی^۲
لاله طب‌چی اکبری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

چکیده

دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین اهداف جوامع بشری است، در این بین نقش توسعه انسانی حائز اهمیت فراوانی بوده و انسان هم به عنوان هدف و هم به عنوان ابزار توسعه از جایگاه خاصی در طراحی و اجرای سیاست‌های توسعه برخوردار است. این اهمیت وافر موجب شده تا کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی توجه خاصی به امر توسعه انسانی داشته باشند و عوامل تأثیرگذار بر آن را شناسایی کنند. عقود بانکداری اسلامی از جمله عواملی است که در مباحث مربوط به توسعه در اقتصاد اسلامی حائز اهمیت فراوانی بوده و می‌تواند اثرات قابل توجهی را بر مولفه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اسلامی داشته باشد. در این مطالعه تأثیر عقود بانکداری اسلامی به تفکیک قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای و قراردادهای مشارکتی بر شاخص توسعه انسانی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ (براساس داده‌های فصلی) مورد بررسی قرار گرفته است. برای برآورد اثرات متغیرها، از روش آزمون کرانه‌ها و تکنیک الگوی خود توضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. نتایج رگرسیونی نشان می‌دهد، که عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت منجر به بهبود شاخص توسعه انسانی در ایران شده است.

کلمات کلیدی: عقود بانکداری اسلامی، شاخص توسعه انسانی، الگوی خودتوضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده.

طبقه‌بندی JEL: Z12، O15، C22.

ab_arabmazar@sbu.ac.ir

۱. استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشیار و عضو هیأت علمی، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

oskoee@iaut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران
tabaghchi@gmail.com

مقدمه

عمده نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی در چارچوب سرمایه‌سالاری نظام اقتصادی، انسان را به عنوان عامل اصلی تحول و توسعه در نظر نمی‌گیرند. اما برپایه مبانی هستی‌شناختی نظام اقتصادی اسلام، ضمن این که سرمایه و صاحب سرمایه، نقش بسزایی در فرآیند تحقق جامعه پیشرفته اسلامی دارد، به انسان به عنوان عامل اصلی بسترساز تحقق پیشرفت اقتصادی جامعه اسلامی، نقش اساسی داده می‌شود و با ارائه و اجرای مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی، انسان‌ها در فرآیند اقتصادی به سمت انسان مورد نظر اسلام، متحول شده و به وسیله چنین انسان‌هایی جامعه مطلوب پیشرفته اقتصادی از منظر اسلام، دست‌یافتنی می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۴، ۱۸۴-۱۸۳).

در فرآیند توسعه انسانی از دیدگاه اسلام نه تنها جنبه‌های مادی و فردی، بلکه ابعاد معنوی و اجتماعی نیازهای انسان مورد توجه قرار می‌گیرد (نقی پورفر و احمدی، ۱۳۸۸).

عقود بانکداری اسلامی به ویژه عقود مبادله‌ای در چارچوب بازار مالی اسلامی از جمله عواملی است که می‌تواند اثرات قابل توجهی بر مولفه‌های توسعه، به ویژه توسعه انسانی در کشورهای اسلامی داشته باشد. در نظام بانکداری کشورهای اسلامی، تسهیلات اعطایی ناشی از عقود اسلامی با توجه به متغیر بودن بازدهی، اثر بیشتری بر توانمندسازی انسانی، افزایش درآمد و رفاه داشته و شاخص توسعه انسانی را دستخوش تغییرات قابل ملاحظه‌ای می‌نماید (یوسمان و تسیم^۱، ۲۰۱۶، ۵۳).

در این نظام بانکداری بر مشارکت در سود و زیان تاکید خاصی می‌شود و بخش‌های حقیقی اقتصاد و سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها مورد نظر قرار می‌گیرد. سوالی اساسی این مطالعه این است که، عقود بانکداری اسلامی بر شاخص توسعه انسانی در ایران چه تأثیری دارد؟ از آنجائی که در اکثر مطالعات انجام گرفته در زمینه ارتباط بین عقود بانکداری اسلامی با متغیرهای عمده کلان اقتصادی، توجهی به متغیر توسعه انسانی به ویژه در اقتصاد ایران در قالب تکنیک الگوی خود توضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده^۲ (ARDL) نشده است، لذا این مطالعه تلاش می‌کند تأثیر عقود اسلامی را بر شاخص توسعه انسانی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ (براساس داده‌های فصلی) به شیوه الگوی خود توضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

1. Usman & Tasmin

2. Auto Regressive Distributed Lag

۱. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

شاخص توسعه انسانی^۱ (HDI) با تاکید بر انسان محوری یا قابلیت انسانی در فرآیند توسعه اقتصادی در سال ۱۹۹۰ توسط آمارتیاسن^۲ و محبوب الحق^۳ مطرح شد و با همکاری گوستاو رانیس^۴ بسط و گسترش یافت و در واقع از همان زمان توسط سازمان ملل متحد^۵ با شعار مردم ثروت واقعی کشورها می‌باشند، که حاکی از تغییر رویکردی نسبت به فرآیند توسعه می‌باشد، این شاخص در بررسی فرآیند توسعه در کشورهای مختلف جهان مورد توجه قرار گرفت. از آن سال به بعد، همه ساله گزارشی از توسعه انسانی توسط سازمان ملل متحد منتشر می‌شود و در گزارشات سالانه، با استفاده از شاخص‌های جزئی، مثل: شاخص‌های بهداشتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، محیط زیستی و... وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها و مناطق مختلف با یکدیگر مقایسه می‌شوند (اسدی و اسماعیلی، ۱۳۹۲).

برای محاسبه ارزش عددی شاخص توسعه انسانی کشورها با استفاده از سه مولفه توان برخورداری از عمری طولانی و توأم با سلامت، توان معرفت اندوزی و کسب علم و توان دسترسی به منابع و امکانات لازم برای برخورداری از یک سطح زندگی مناسب؛ در قالب یک فرمول ویژه دسته‌بندی می‌شوند، که از شاخص‌های امید به زندگی برای مولفه اول، از نرخ‌های سواد و درصد ثبت‌نام کنندگان در مراحل مختلف تحصیلی برای مولفه دوم و از درآمد سرانه تبدیل شده به برابری قدرت خرید (PPP) برای مولفه سوم استفاده می‌شود. این شاخص عددی بین صفر و یک نوسان می‌کند و کشورها را در سه دسته رتبه‌بندی می‌کند. به طوری که، کشورهای با HDI برابر ۰/۸ و بیشتر به عنوان کشورهای با توسعه انسانی بالا، کشورهای با HDI برابر ۰/۵ تا ۰/۸ به عنوان کشورهای با توسعه انسانی متوسط و کشورهای با HDI کمتر از ۰/۵ به عنوان کشورهای با توسعه انسانی پایین محسوب می‌شوند (روزبهان، ۱۳۸۹).

در توسعه انسانی از دیدگاه اسلام علاوه بر نیازهای مادی به ابعاد معنوی و اجتماعی انسان برای رسیدن به کمال، به روزی و سعادت توجه خاصی می‌شود و در فرآیند توسعه انسانی مدنظر اسلام، انسان با دستیابی به حیات طیبه تبدیل به "حی متاله" می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۸). بر این اساس توسعه انسانی به شکل فرآیند بسط ظرفیت‌های انسانی از راه تعدیل غرایز و تامین نیازهای

1. Human Development Index
2. Amartya sen
3. Mahbub alhag
4. Gustav Ranis
5. United Nations Development Programme

مادی و معنوی انسان با عمل به جامعیت اسلام برای پرورش ایمان و عمل صالح در بستر عدالت فراگیر به منظور دستیابی به حیات طیبه در نظر گرفته می‌شود (نقی‌پورفر و احمدی، ۱۳۸۸).

نظام بانکداری اسلامی از طریق تجهیز و تخصیص منابع مالی مورد نیاز برای طرح‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های برابر سرمایه‌گذاری برای پس‌انداز کنندگان و صاحبان منابع مالی مازاد می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر توسعه انسانی داشته باشد. در این نظام ابزارهای مالی به سه گروه کلی قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و خرید دین) و قراردادهای مشارکتی (مضاربه، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی و سرمایه‌گذاری مستقیم) تقسیم می‌شوند (پایتختی اسکوئی و عرب‌مازار، ۱۳۹۵). سرمایه‌گذاری مستقیم از نظر آثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است و گاهی جزء این دسته قرار می‌گیرد (اکبرزاده، ۱۳۹۲).

در راستای استفاده از روش تأمین مالی مشارکتی (مشارکت در سود و زیان) در تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی، هزینه‌های تولید، ریسک سرمایه‌گذاری و تورم کاهش می‌یابد. یکی از مزایای مهم عقود مشارکتی نسبت به سیستم بهره و عقود با بازدهی ثابت این است که در عقود مشارکت دارایی بانک‌ها و سپرده‌گذاران تبدیل به سرمایه‌های حقیقی شده و در مالکیت آن‌ها باقی می‌ماند و همراه با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ارزش آن دارایی‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین بانک و سپرده‌گذاران از تورم متضرر نمی‌شوند، در عین حال که نرخ بهره و نرخ سود از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد تا از طریق هزینه‌های تولید بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر گذارد. این مزیت عقود مشارکتی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که معمولاً از یک اقتصاد توأم با تورم برخوردارند، بسیار حائز اهمیت است (بانک ملی ایران، ۱۳۹۷)، به تدریج با کنترل دوره‌های تجاری تولید افزایش می‌یابد و توزیع درآمدها عادلانه می‌شود (خان و میرآخور، ۱۳۷۰، ۱۲۵). با افزایش تولید و اشتغال و بهبود وضعیت توزیع درآمدها و ثروت درآمد سرانه افزایش یافته و امید به زندگی در بین افراد جامعه بالا می‌رود و در نتیجه شاخص توسعه انسانی به شکل مثبت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بانکداری اسلامی فرصت‌های اشتغال را برای بسیاری از افراد جامعه از طریق تأمین منابع مالی مورد نیاز کارآفرینان کوچک به شکل تأمین مالی خرد با استفاده از عقود مشارکتی و مبادله‌ای فراهم می‌سازد (شاهین‌پور^۱، ۲۰۰۹). عقود بانکداری اسلامی از راه تأمین نقدینگی لازم برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و کارآفرینانی که به تأمین وثیقه‌های سنگین بانکداری متعارف قادر نیستند به افزایش بهره‌وری سرمایه و نرخ پس‌انداز انجامیده، زمینه‌های افزایش نرخ رشد اقتصادی و سطح اشتغال در جامعه را فراهم می‌سازند. با افزایش نرخ رشد اقتصادی و سطح اشتغال در جامعه، شاخص توسعه انسانی از طریق افزایش تقاضا

برای خدمات آموزشی، بالا رفتن انگیزه‌های ادامه تحصیل و کسب تحصیلات عالیه و افزایش هزینه‌های بهداشتی خانوارها و توجه بیشتر افراد جامعه به مراقبت‌های بهداشتی و سلامت ارتقا می‌یابد. با توجه به ربوی نبودن نظام بانکداری اسلامی، استفاده‌کنندگان از انواع عقود و یا تامین‌کنندگان منابع مالی (پساندازکنندگان) در اختیار نظام بانکی با در نظر گرفتن جلب رضایت خداوند و عمل به احکام هدایت بخش اسلام، زمینه‌های تامین نیازهای معنوی خویش را فراهم ساخته و بر این اساس توسعه انسانی از دیدگاه اسلام تحقق می‌یابد. به نظر می‌رسد با تامین نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه از طریق مشارکت در نظام بانکداری اسلامی و وجود عقود مشارکتی، مبادله‌ای و قرض‌الحسنه در این بازار مالی زمینه‌های دستیابی به توسعه انسانی از دیدگاه اسلام مهیا بوده و افراد با فعالیت در این بازار نباید نگران رسیدن به حیات طیبه (زندگی‌ای که نیازهای مادی، جسمانی، معنوی، علمی، عملی و روحی انسانی را پاسخ‌گو باشد) باشند. تسهیلات اعطایی ناشی از عقود بانکداری اسلامی در صورت متغیر بردن بازدهی، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر توانمندسازی انسانی، افزایش درآمد و رفاه داشته و شاخص‌های توسعه انسانی را دستخوش تغییرات قابل توجهی نماید. این اعتبارات وسیله‌ای برای افزایش فرصت‌های زندگی قلمداد شده و زمینه دستیابی به توسعه انسانی را فراهم می‌سازد. جریان درآمدی که منجر به تولید ثروت می‌شود، عمدتاً از طریق فعالیت‌ها و تصمیمات خانوارها، دولت و سازمان‌های عمومی غیردولتی به فعالیت‌هایی مثل آموزش، بهداشت (به خصوص آموزش و سلامت زنان)، هزینه‌های دولت در ارائه تسهیلات عمومی و مخارج اجتماعی، اجرای سیاست‌های توزیع مناسب‌تر درآمد و ثروت و مبارزه با فقر در جامعه تخصیص می‌یابد و بر توسعه انسانی اثر می‌گذارد. در این دیدگاه، رشد درآمد و نتیجتاً درآمدسرانه به وضوح عامل اصلی رشد مستقیم قابلیت افراد و نتیجتاً توسعه انسانی است؛ زیرا این رشد اقتصادی، نظم اقتصادی استفاده از منابع را در خود دارد. با افزایش سطح رشد اقتصادی از یک‌سو، توان دسترسی به منابع و امکانات لازم جهت برخورداری از یک سطح زندگی مناسب فراهم می‌شود و از سوی دیگر توان برخورداری از عمری طولانی و توأم با سلامت (امید به زندگی) و مولفه‌های معرفت‌اندوزی و کسب علم (نرخ ثبت نام و باسوادی) نیز به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد. لذا در کل، شاخص توسعه انسانی بهبود خواهد یافت (محمودی، ۱۳۸۷).

از بررسی مطالعه‌های تجربی انجام گرفته در زمینه بانکداری اسلامی مشخص می‌شود مطالعه خاصی درباره رابطه عقود بانکداری اسلامی با شاخص توسعه انسانی صورت نگرفته است. اکثر مطالعه‌ها به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف با به کارگیری روش‌های پژوهش گوناگون پرداخته‌اند. جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۴)، به تأثیر

بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداختند. این مطالعه برای پنج کشور منتخب اسلامی طی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ انجام شد. جهت بررسی رابطه نیز از روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی با رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. نتایج برآورد الگو نشان داد که بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب تاثیر مثبتی داشته است.

عزتی و کاظمی (۱۳۹۳)، به بررسی اثر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی پرداختند. این مطالعه برای ۸ کشور اسلامی دارای بانک اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ انجام شد و جهت بررسی این رابطه نیز از تکنیک داده‌های ترکیبی با رویکرد حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. نتایج رگرسیونی نشان داد که، افزایش اندازه و سهم بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی، اثر مثبت دارد و موجب افزایش رشد اقتصادی این کشورها می‌شود.

موسویان و ورمزیاری (۱۳۹۲)، به بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران پرداختند. با استفاده از داده‌های فصلی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ این رابطه مورد آزمون و بررسی قرار گرفت و جهت بررسی این رابطه نیز از روش مدل الگوی خود توضیح‌برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شد. نتایج حاصل نشان‌دهنده اثر مثبت بانکداری بدون ربا بر جریان رشد اقتصادی در ایران می‌باشد.

پورفرج و علیزاده (۱۳۹۱)، به ارزیابی درجه‌ی تمرکز اعتبارات در عقود اسلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران پرداختند. این مقاله با استفاده از داده‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ از طریق شاخص هرفیندال-هیرشمن، درجه‌ی تمرکز اعتبارات در عقود بانکی را ارزیابی و رتبه‌بندی کرد. نتایج نشان داد که تمرکز در اعتبارات، بیش‌تر به سمت عقود مبادله‌ای با نرخ ثابت است و عقود مشارکتی در اهمیت دوم و کم‌تر قرار دارد. با توجه به این که یکی از اهداف سیاست‌های پولی در حذف بهره اثرگذاری بر رشد است، در بررسی علیت گرنجری، رابطه‌ی میان اعتبارات بانکی عقود مبادله‌ای و رشد اقتصادی معنی‌دار نبود.

باخیتا^۱ (۲۰۱۷)، به بررسی رابطه بین عملکرد بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی با استفاده از اطلاعات شش بانک اسلامی مربوط به شش کشور اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ پرداخت. نتایج حاصل از به کارگیری روش رگرسیون پیرسون نشان داد ارتباط منفی معنی‌دار بین اجاره، مرابحه و تولید ناخالص داخلی در کشورهای مورد بررسی وجود دارد.

1. Bakhita

یوسمان و تسیم^۱ (۲۰۱۶)، به بررسی نقش مؤسسات مالی اسلامی در ارتقاء توسعه انسانی در کشورهای مسلمان پرداختند. این پژوهش در قالب یک مطالعه توصیفی انجام شد و اسناد مالی کشورهای اسلامی جهت بررسی این رابطه مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت، یافته‌های این تحقیق نشان داد که مؤسسات مالی اسلامی رویکردی جامع در زمینه توانمندسازی انسانی، افزایش درآمد و رفاه در کشورهای اسلامی بوده و خواهند بود.

جوهانسون^۲ (۲۰۱۳)، به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر جریان رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۶ پرداخت. این مطالعه برای ۷۵ کشور منتخب جهان با استفاده از روش‌های حداقل مربعات معمولی (OLS) حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS) انجام گرفت و نتایج نشان داد همبستگی معنی‌داری بین بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه وجود ندارد. عبدلمنپ و همکاران^۳ (۲۰۱۲)، به بررسی رابطه علی بین رشد اقتصادی و بانکداری اسلامی در کشور مالزی با استفاده از داده‌های فصلی برای دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج بررسی با بکارگیری آزمون علیت تودا یا ماموتو نشان داد که علیت گرنجری قوی یکطرفه از سمت تأمین مالی اسلامی به رشد اقتصادی در این کشور وجود دارد.

۲. روش تحقیق

در این مطالعه، تأثیر عقود بانکداری اسلامی بر شاخص توسعه انسانی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ (براساس داده‌های فصلی) مورد بررسی قرار گرفته و برای برآورد اثرات متغیرها، از شیوه الگوی خود توضیح برداری با وقفه‌های گسترده^۴ (ARDL) استفاده می‌شود. مدل مورد بررسی در این مقاله، با الهام از مبانی نظری و مطالعات تجربی به ویژه مطالعه یوسمان و تسیم^۵ (۲۰۱۶)، به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$(۱) \quad \text{LnHDI}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LnIC}_{1it} + \alpha_2 \text{LnIC}_{2it} + \alpha_3 \text{LnIC}_{3it} + \alpha_4 \text{LnCPI}_{it} + \alpha_5 \text{LnY}_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل HDI: بیانگر شاخص توسعه انسانی می‌باشد، که از سه مولفه توان برخورداری از عمری طولانی و توأم با سلامت، توان معرفت‌اندوزی و کسب علم و توان دسترسی به منابع و امکانات لازم برای برخورداری از یک سطح زندگی مناسب حاصل می‌شود، که از امید به زندگی برای مولفه اول،

1. Usman & Tasmin

2. Johnson

3. Abdul Manap et al

4. Auto Regressive Distributed Lag

5. Usman & Tasmin

از نرخ‌های سواد و درصد ثبت‌نام کنندگان در مراحل مختلف تحصیلی برای مولفه دوم و از درآمد سرانه برای مولفه سوم استفاده می‌شود؛

عقدهای بانکداری اسلامی عبارتند از:

IC₁: مانده تسهیلات قرض‌الحسنه؛

IC₂: مانده قراردادهای مبادله‌ای که از مجموع فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و جعاله حاصل می‌شود؛

IC₃: مانده قراردادهای مشارکتی که از مجموع مضاربه، مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی و سرمایه‌گذاری مستقیم حاصل می‌شود؛

لازم به ذکر است که این عقود در مطالعات متعددی به عنوان شاخص‌های بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که می‌توان به مطالعات پایتختی اسکویی و عرب‌مازار (۱۳۹۵)، پورفرج و علیزاده (۱۳۹۱) و موسویان و ورمزبازی (۱۳۹۲)، اشاره کرد.

متغیرهای کنترلی نیز عبارتند از:

Y: نشان‌دهنده تولید ناخالص داخلی است؛

CPI: گویای تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف کننده می‌باشد؛

Ln: بیانگر لگاریتم طبیعی و ε نشان دهنده جمله خطای تصادفی است.

متغیرهای تورم و تولید ناخالص داخلی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در مدل وارد شده‌اند، که در مقالات مختلف، اثرات این دو متغیر بر روی شاخص توسعه انسانی بررسی شده است و مبنای نظری قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. از جمله این مطالعات می‌توان به مطالعات نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، مهدیلو و همکاران (۱۳۹۵)، هافنر و فولکس^۱ (۲۰۱۳) و ریورا^۲ (۲۰۱۶) اشاره کرد. بطوری‌که در مطالعه نائینی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر تورم، در مطالعات مهدیلو و همکاران (۱۳۹۵)، هافنر و فولکس (۲۰۱۳) و ریورا (۲۰۱۶) تأثیر تولید ناخالص داخلی بر توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. از طرفی نیز وجود متغیرهای کنترل، ضریب تعیین (R^2) و ضریب تعیین تعدیل شده (تعدیل شده R^2) را در مدل ارتقا می‌دهد و قدرت توضیح دهنگی مدل را بالا می‌برد. تورم به دلیل تأثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، توزیع مجدد درآمد و انحراف منابع از تولید به فعالیت‌های دارای رانت، اجزای شاخص توسعه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چرا که مقوله توزیع نابرابر درآمد به واسطه نابرابری‌های اقتصادی، فرآیند رشد و توسعه را بی‌ثبات کرده و زمینه‌های پیشرفت و توسعه به طرز قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کند و بعد درآمدی، بهداشتی و

1. Hafner & Foulkes

2. Revera

سلامتی نیز از این مهم مبرا نمی‌باشند و لذا شاخص توسعه انسانی به طرز قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یابد. در واقع ارزش و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه‌های تولیدی-درآمدی، بهداشتی و آموزشی تقلیل می‌یابد (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

افزایش تولید ناخالص داخلی، می‌تواند منجر به افزایش سطح رشد اقتصادی از یک‌سو شده و توان دسترسی به منابع و امکانات لازم جهت برخورداری از یک سطح زندگی مناسب فراهم کند و از سوی دیگر توان برخورداری از عمری طولانی و توأم با سلامت (امید به زندگی) و مولفه‌های معرفت‌اندوزی و کسب علم (نرخ ثبت نام و باسوادی) نیز به طرز قابل ملاحظه‌ای فزونی دهد. لذا در کل، شاخص توسعه انسانی یک روند افزایشی را به همراه خواهد داشت (محمودی، ۱۳۸۷).

داده‌های مربوط به متغیرهای عقده‌های بانکداری اسلامی، تورم و تولید ناخالص داخلی از وب سایت بانک مرکزی استخراج شده‌اند. اطلاعات مربوط به شاخص توسعه انسانی از وب سایت سازمان ملل^۱ استخراج شده‌اند. کلیه تحلیل‌ها نیز در نرم‌افزار Eviews10 صورت گرفته است.

۳. نتایج تجربی تحقیق

برای بررسی پایایی متغیرها از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۲ (ADF) استفاده شده، که خلاصه نتایج این آزمون در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): نتایج آزمون ریشه واحد

آزمون دیکی فولر تعمیم یافته		
متغیر	در حالت با عرض از مبدأ و روند (در سطح)	در حالت با عرض از مبدأ و روند (با یکبار تفاضل‌گیری)
LnHDI	۰/۰۰۳۴ (-۴/۴۷۱۲)	-
LnIC _۱	۰/۸۸۰۹ (-۱/۲۹۴۱)	۰/۰۰۰۰ (-۸/۳۴۳۰)
LnIC _۲	۰/۹۱۵۰ (-۱/۱۳۴۵)	۰/۰۰۰۰ (-۸/۲۱۶۶)
LnIC _۳	۰/۸۷۱۴ (-۱/۳۳۱۵)	۰/۰۰۰۰ (-۸/۴۵۰۸)
LnCPI	۰/۸۱۵۷ (-۱/۵۱۲۳)	۰/۰۰۰۰ (-۸/۰۵۶۱)
LnY	۰/۱۷۶۵ (-۱/۳۷۸۱)	۰/۰۰۰۰ (-۵/۷۱۸۴)

منبع: یافته‌های تحقیق

1. United Nations Development Programme

2. Augmented Dickey-Fuller Test

همان‌طور که از جدول شماره (۱) قابل مشاهده است، متغیرهای قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای، قراردادهای مشارکتی، تولید ناخالص داخلی و تورم دارای ریشه واحد بوده و با یکبار تفاضل‌گیری به حالت پایا در آمده، لذا انباشته از درجه یک می‌باشند $I(1)$ ، اما شاخص توسعه انسانی در سطح پایا بوده و لذا انباشته از درجه صفر می‌باشد $I(0)$.

حال با توجه به این که همه متغیرها در یک مرتبه یک‌سان مانا نیستند، برای برآورد الگو بهتر است از روش ARDL استفاده شود. زیرا این الگو نسبت به درجه هم انباشتگی متغیرها حساس نبوده و بدون در نظر گرفتن اینکه متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ هستند به کار برده می‌شود.

جدول (۲): نتایج حاصل از تخمین پویای کوتاه‌مدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
$\text{LnHDI}(-1)$	۰/۸۶۰۳	۰/۰۳۱۷	۲۷/۰۹۷۵	۰/۰۰۰۰
LnIC_1	۰/۳۴۳۵	۰/۰۷۹۳	۴/۳۳۰۶	۰/۰۰۰۰
LnIC_2	۰/۸۸۳۰	۰/۰۴۹۰	۱۷/۹۸۵۳	۰/۰۰۰۰
LnIC_3	۰/۹۶۸۳	۰/۲۹۵۴	۳/۲۷۷۹	۰/۰۰۱۳
LnCPI	-۰/۶۸۸۷	۰/۱۰۴۴	-۶/۵۹۷۳	۰/۰۰۰۰
LnY	۰/۳۰۲۲	۰/۰۷۵۸	۳/۹۸۴۲	۰/۰۰۰۱
C	۱/۱۰۷۵	۰/۰۹۹۹	۱۱/۰۸۱۲	۰/۰۰۰۰
$R^2=۰/۹۹۷۹$				
$R^2=۰/۹۹۷۷$ تعدیل شده				

با انتخاب وقفه مناسب در مدل، می‌توان ارتباط کوتاه‌مدت، بلندمدت و همچنین، نحوه تعدیل از کوتاه‌مدت به بلندمدت را به کمک الگوی تصحیح خطا بررسی کرد. نتایج حاصل از برآوردها در جداول (۲)، (۳) و (۴) ارائه شده است. در تخمین مدل در الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی ابتدا مدل پویای کوتاه‌مدت آن به صورت جدول شماره (۲) برآورد می‌شود.

نتایج برآورد مدل در جدول شماره (۲) بیانگر آن است که متغیرهای قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای، قراردادهای مشارکتی و تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبتی بر شاخص توسعه انسانی در کوتاه‌مدت دارند و در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشند. در حالی که تأثیر تورم بر شاخص توسعه انسانی منفی است. حال برای تصدیق وجود رابطه بلندمدت، از آزمون همگرایی کرانه‌ها^۱ استفاده می‌شود، که خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۳) ارائه شده است.

1. Bounds Test

جدول (۳): نتایج آزمون کرانه‌ها

۲۲/۶۰۵۶						مقدار آماره F			
۵						تعداد متغیرها			
٪۱۰		٪۵		٪۲/۵		٪۱		سطح معنی داری	
I(1)	I(0)	I(1)	I(0)	I(1)	I(0)	I(1)	I(0)	حد بالا و پایین	
۳/۳۵	۲/۲۶	۳/۷۹	۲/۶۲	۴/۱۸	۲/۹۶	۴/۶۸	۳/۴۱	مقادیر	

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجائی که، مقدار آماره F محاسباتی برابر با ۲۲/۶۰۵۶ می‌باشد و بیشتر از مقدار بحرانی حد بالایی در سطوح معنی‌داری ۱٪، ۲/۵٪، ۵٪ و ۱۰٪ درصد می‌باشد، لذا یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای، قراردادهای مشارکتی، تورم و تولید ناخالص داخلی با شاخص توسعه انسانی وجود دارد. لذا در ادامه به تخمین رابطه بلندمدت پرداخته‌ایم، که نتایج حاصل از تخمین بلندمدت در جدول شماره (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از تخمین بلندمدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
LnIC ₁	۰/۵۱۸۷	۰/۰۷۲۰	۷/۱۹۸۳	۰/۰۰۰۰
LnIC ₂	۰/۲۳۷۵	۰/۰۹۲۷	۲/۵۵۹۷	۰/۰۱۱۲
LnIC ₃	۰/۹۸۸۶	۰/۱۶۷۳	۵/۹۰۶۸	۰/۰۰۰۰
LnCPI	-۰/۲۷۹۴	۰/۰۹۴۰	-۲/۹۷۱۳	۰/۰۰۳۴
LnY	۰/۲۳۳۶	۰/۰۸۵۴	۲/۷۳۵۱	۰/۰۰۶۸
C	-۱۶/۰۹۸۵	۷/۶۵۷۳	-۲/۱۰۲۳	۰/۰۳۷۰

منبع: یافته‌های تحقیق

- طبق نتایج جدول شماره (۴)، نتایج حالت بلندمدت همسو با نتایج حالت کوتاه‌مدت می‌باشد که به شرح زیر قابل ارائه می‌باشند:
- قرض‌الحسنه دارای تأثیر مثبتی بر شاخص توسعه انسانی دارد. ضریب این متغیر ۰/۵۱ بوده که بیانگر این است که، یک درصد افزایش درمانده تسهیلات قرض‌الحسنه، شاخص توسعه انسانی را معادل ۰/۵۱ درصد افزایش می‌یابد.
 - تأثیر مانده قراردادهای مبادله‌ای بر شاخص توسعه انسانی مثبت بوده و در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب این متغیر ۰/۲۳ می‌باشد که این بدان مفهوم است که، یک درصد افزایش درمانده قراردادهای مبادله‌ای، شاخص توسعه انسانی را معادل ۰/۲۳ درصد افزایش می‌دهد.

- مانده قراردادهای مشارکتی دارای تأثیر مثبت بر شاخص توسعه انسانی بوده و در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب این متغیر $0/98$ می‌باشد که نشانگر آن است که، با یک درصد افزایش در مانده قراردادهای مشارکتی، شاخص توسعه انسانی معادل $0/98$ درصد افزایش پیدا می‌کند.
 - در نهایت، تورم تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی داشته و در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب شاخص تورم $-0/27$ می‌باشد که بیانگر این است که، با یک درصد افزایش در تورم، شاخص توسعه انسانی معادل $0/27$ درصد کاهش می‌یابد.
- تورم به دلیل تأثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، توزیع مجدد درآمد و انحراف منابع از تولید به فعالیت‌های دارای رانت، اجزای شاخص توسعه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چرا که مقوله توزیع نابرابر درآمد به واسطه نابرابری‌های اقتصادی، فرآیند رشد و توسعه را بی‌ثبات کرده و زمینه‌های پیشرفت و توسعه به طرز قابل ملاحظه‌ای محدود می‌کند و بعد درآمادی، بهداشتی و سلامتی نیز از این مهم‌ها می‌باشند و لذا شاخص توسعه انسانی به طرز قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یابد. در جدول شماره (۵) نیز نتایج برآورد الگوی تصحیح خطای مدل که نشان‌دهنده رابطه تعادلی است، ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰۰	-۴/۳۹۷۱	۰/۰۳۱۷	-۰/۱۳۹۶	ECM(-1)

منبع: یافته‌های تحقیق

ضریب ECM^1 سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد و انتظار می‌رود که از نظر علامتی منفی باشد (نوفروستی، ۱۳۷۸). در واقع این ضریب نشان می‌دهد، در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تعدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود. همان گونه که نتایج جدول (۹) نشان می‌دهد، ضریب تصحیح خطای مدل کوچک‌تر از یک و از نظر آماری معنی‌دار می‌باشد. ضریب تصحیح خطای مدل برابر $-0/13$ می‌باشد، که نشان می‌دهد در هر سال ۱۳ درصد از عدم تعادل یک دوره در شاخص توسعه انسانی در دوره بعد تعدیل می‌شود. برای ارزیابی مدل برآورد شده به انجام آزمون‌های عدم وجود همبستگی سریالی میان جملات خطا، آزمون عدم وجود ناهمسانی واریانس، آزمون نرمالیتی، خطای تصریح و ثبات ساختاری می‌پردازیم. جهت اطمینان از صحت وجود یا عدم وجود خود همبستگی از آزمون بروش پاگان استفاده می‌کنیم. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر وجود خودهمبستگی می‌باشد و فرضیه مقابل نیز عدم

1. Error Correction Model

وجود خودهمبستگی را بیان می‌کند. براساس نتایج جدول (۶) فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود، لذا در مدل مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

جدول (۶): نتایج آزمون خود همبستگی

احتمال	آماره آزمون
۰/۰۰۲۳	۱۴/۳۳۷۶

منبع: یافته‌های تحقیق

جهت بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون، مبنی بر نبود ناهمسانی واریانس و فرضیه مقابل نیز مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس است، که با توجه به نتایج جدول (۷)، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا مشکل ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد.

جدول (۷): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

احتمال	آماره آزمون
۰/۱۰۳۳	۱۱/۶۰۲۳

منبع: یافته‌های تحقیق

جهت نرمال بودن پسماندهای مدل از آزمون جاگ‌برا استفاده شده است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن باقیمانده‌ها است و فرضیه مقابل نیز مبنی بر عدم نرمال بودن پسماند هاست، که با توجه به نتایج جدول (۸)، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا توزیع نرمال باقیمانده‌های مدل، نرمال استاندارد است.

جدول (۸): نتایج آزمون نرمال بودن پسماند ها

احتمال	آماره آزمون
۰/۲۳۸۹	۰/۹۳۸۲

منبع: یافته‌های تحقیق

جهت بررسی شکل تبعی مدل (تصریح مدل)، از آزمون رمزی استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر درست بودن تصریح مدل است و فرضیه مقابل نیز مبنی بر عدم درست بودن تصریح مدل است، که با توجه به نتایج جدول (۹)، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا مدل درست تصریح شده است.

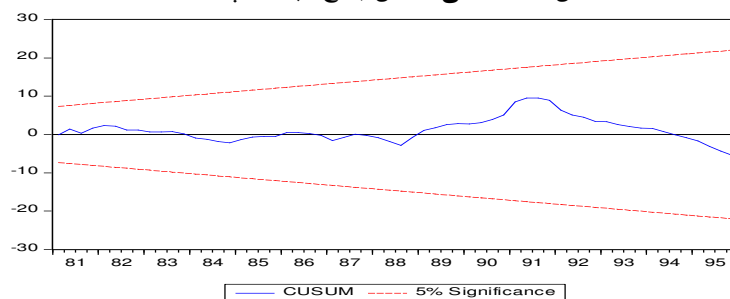
جدول (۹): نتایج آزمون تصریح مدل

احتمال	آماره آزمون
۰/۳۳۱۸	۰/۲۹۷۵

منبع: یافته‌های تحقیق

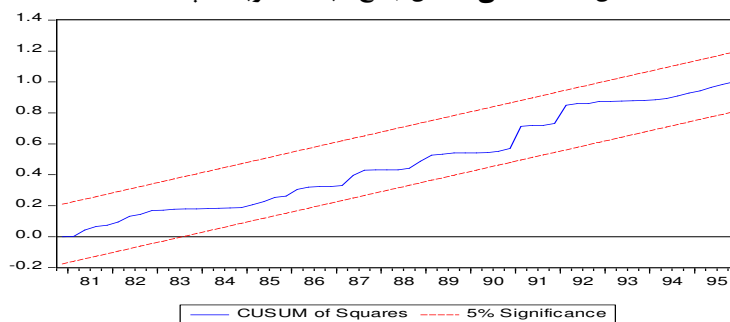
به منظور اطمینان از پایدار بودن رگرسیون برآورد شده و صحت نتایج به دست آمده آزمون‌های پایداری CUSUM و CUSUMSQ برای مدل ARDL برآورد شده صورت گرفته است. در این آزمون‌ها مقادیر آماره برآورد شده در بین دو مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد رسم می‌گردد و در صورتی که از این دو کرانه خارج نگردد نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر پایدار بودن رگرسیون برآورد شده را رد نمود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در شکل‌های (۱) و (۲) نشان داده شده است.

شکل (۱): منحنی حاصل جمع انباشته پسماندها



منبع: یافته‌های تحقیق

شکل (۲): منحنی حاصل جمع انباشته مربعات پسماندها



منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر عقود بانکداری اسلامی بر شاخص توسعه انسانی در ایران به تفکیک قرض‌الحسنه، قراردادهای مبادله‌ای و قراردادهای مشارکتی بود، که جهت نیل به این منظور، داده‌های فصلی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ به شیوه الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) مورد برآورد و ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآوردهای صورت گرفته نشان داد که تمامی شاخص‌های مربوط به عقود بانکداری اسلامی، داری تأثیر مثبتی بر شاخص توسعه انسانی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشند. پیشنهادات سیاستی پژوهش حاضر براساس نتایج حاصله به شرح زیر قابل ارائه می‌باشد:

۱. با توجه به رابطه مثبت بین شاخص‌های عقود بانکداری اسلامی و شاخص توسعه انسانی، بانکداری اسلامی مخالف توسعه انسانی نیست و توجه به تامین مالی اسلامی و ارتقاء جایگاه بانکداری اسلامی در بازار مالی کشور، می‌تواند در توسعه انسانی در ایران نقش داشته باشد.
۲. با در نظر گرفتن رابطه منفی بین تورم و شاخص توسعه انسانی، بدیهی است اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی و مهار تورم می‌تواند با کاهش ریسک و عدم اطمینان و ایجاد ثبات اقتصادی، به ارتقا شاخص توسعه انسانی در اقتصاد ایران شتاب دهد.
۳. با توجه به رابطه مثبت بین تولید ناخالص داخلی و شاخص توسعه انسانی، افزایش سطح تولید ضروری به نظر می‌رسد. که جهت نیل به این منظور، به کارگیری ترکیب مناسبی از نهاده‌های تولیدی (نهاده‌های نیروی کار، سرمایه فیزیکی و منابع انرژی) خواهد توانست سطح تولید، رشد اقتصادی و در نتیجه آهنگ رشد درآمدها را در این کشورها تا حد قابل توجهی ارتقا داده و به گسترش هرچه بیشتر اندازه این شاخص کمک شایانی نماید.

منابع

۱. اسدی، علی و اسماعیلی، میثم. (۱۳۹۲). تأثیر شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی ایران در قالب مدل مارکوف - سوئیچینگ. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۲، صفحات ۸۹-۱۰۴.
۲. اکبرزاده، معین. (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آن‌ها در نظام بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد بانکداری اسلامی، شماره ۴ و ۵، صفحات ۱۶۱-۱۹۸.
۳. ابراهیمی، یزدان. (۱۳۹۰). آموزش از دور و توسعه انسانی (مورد دانشگاه پیام نور). نامه آموزش عالی، شماره ۱۴، صفحات ۱۴۰-۱۲۳.
۴. بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۶). قابل دسترسی در سایت <http://tsd.cbi.ir>.
۵. بانک ملی ایران. (۱۳۹۷). آثار بانکداری اسلامی در تورم. قابل دسترسی در سایت <http://bmi.ir>.
۶. پایتختی اسکویی، سیدعلی و عرب‌مازار، عباس. (۱۳۹۵). بررسی اثر عقده‌های بانکداری اسلامی بر نرخ بیکاری در ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۶۱، صفحات ۷۷-۶۵.
۷. پورفرج، علیرضا و علیزاده، ولی‌ا... (۱۳۹۱). ارزیابی درجه‌ی تمرکز اعتبارات در عقود اسلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۱. صفحات ۲۱-۱.
۸. تشکینی، احمد. (۱۳۸۴). اقتصادسنجی کاربردی به کمک مایکروفت. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی هنری دیباگران تهران.
۹. جعفری صمیمی، احمد، یحیی‌زاده فر، محمود و نجف‌پور، آرش. (۱۳۹۴). تأثیر بانکداری اسلامی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب. کنفرانس بین‌المللی تحقیق و توسعه در علوم انسانی، مدیریت و اقتصاد.
۱۰. خان، محسن و میرآخور، عباس. (۱۳۷۰). مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی. ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
۱۱. روزبهان، محمود. (۱۳۸۹). مبانی توسعه اقتصادی. تهران: انتشارات تابان. چاپ چهاردهم.
۱۲. عزتی، مرتضی و کاظمی، افسانه. (۱۳۹۳). تأثیر مالیه اسلامی بر رشد اقتصادی، مطالعه موردی کشورهای منتخب اسلامی. پژوهش‌های مالیه اسلامی، شماره ۳. صفحات ۷۳-۸۸.
۱۳. محمودی، وحید. (۱۳۸۷). رابطه رشد اقتصادی و توسعه انسانی. اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۵۱ و ۲۵۲. صفحات ۱۵۷-۱۵۰.

۱۴. مهدیلو، علی، اصغرپور، حسین و کریمی تکانلو، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه علیت بین شاخص توسعه انسانی و رشد اقتصادی در ایران: با رویکرد مدل غیرخطی MS-VAR. برنامه و بودجه، شماره ۲، صفحات ۵۳-۲۵.
۱۵. موسویان، سید عباس و ورمزیاری، بهزاد. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۴۸، صفحات ۵۲-۲۹.
۱۶. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
۱۷. نادری کرج، محمود و صادقی، حسین. (۱۳۸۲). بررسی کارآیی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانکهای غیر ربوی با بانکهای ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها. پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، صفحات ۲۵-۵۸.
۱۸. نقی پورفر، ولی الله و احمدی، محمدرضا. (۱۳۸۷). شاخص‌های اقتصادی توسعه انسانی از دیدگاه اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۱، صفحات ۱۰۱-۶۹.
۱۹. نوری نائینی، محمد سعید، قاسمی، حسام الدین و کاظمی تربقان، مریم سادات. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در ایران با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزی. فصلنامه پژوهش‌های رشد توسعه اقتصادی، شماره ۲۹، صفحات ۶۰-۴۵.
۲۰. نوفرستی، محمد. (۱۳۷۸). ریشه‌ی واحد و همجمعی در اقتصادسنجی. تهران: موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.
۲۱. یوسفی، احمد علی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی توسعه انسانی رایج با آموزه‌های اسلامی و ارائه الگوی جایگزین (رویکرد اقتصادی). فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۲، صفحات ۲۱۵-۱۸۳.
22. Abdul Manap, T. A., Abduh, M. & Omar, M. A. (2012). Islamic Banking-Growth Nexus: Toda-Yamamoto and Bootstrap Granger Causality Test. Journal of Islamic Finance, No. 1, PP. 59-66.
23. Bakhita, H. (2017). Impact of Islamic Modes of Finance on Economic Growth through Financial Stability. Journal of Business & Financial Affairs, No. 1, PP. 1-7.
24. Hafner, K. A. & Foulkes, D. M. (2013). Fertility, economic growth, and human development causal determinants of the developed lifestyle. Journal of Macroeconomics, No. 38, PP. 107-120.
25. Johnson, K. (2013). The Role of Islamic Banking in Economic Growth. CMC Senior Theses. Claremont Colleges.

26. Rivera, M. A. (2016). The synergies between human development, economic growth, and tourism with inadeveloping country: Anempirical model forecuador. *Journal of Destination Marketing & Management*.
27. Shahinpoor, N. (2009). The Link between Islamic Banking and Micro financing. *International Journal of Social Economics*, No. 36, PP. 997-1007.
28. UNDP. (2017). United Nations Development Programme. Accessed at <http://www.undp.org/>.
29. Usman, A. S. & Tasmin, R. (2016). The Role of Islamic Micro-finance in Enhancing Human Development in Muslim Countries. *Journal of Islamic Finance*, No. 1, PP. 53-62.